

قوام السلطنه در پی ترور رضاخان بود

۲ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۴:۴۴

یک مورخ و استاد دانشگاه با بیان اینکه قوام السلطنه در پی ترور رضاخان بود، گفت: ایستادگی در مقابل ملی شدن صنعت نفت به نوعی خودکشی سیاسی این سیاستمدار کهنه کار و اشرفزاده بود.

قوام السلطنه از جمله سیاستمدارانی است که نام و سرنوشت او به دوران پهلوی اول و دوم گره خورده است. او ۵ بار نخست وزیر شد؛ اگرچه کابینه‌های وی غالباً عمر کوتاهی داشتند، اما خطی که قوام در مدیریت سیاسی جامعه ایران از اولین سال قرن جاری هجری دنبال کرد، مهمترین بستر را برای نفوذ امریکا در اقتصاد و سیاست و فرهنگ جامعه ایرانی باز کرد.

شاید بتوان گفت در میان رجال عصر پهلوی قوام نخستین سیاستمدار ایرانی بود که چشم به امریکا و سرمایه‌داری و به ظاهر بی طرف آن داشت. قوام در اجرای این سیاست که به عنوان «کوشش برای گشودن خط سومی در سیاست خارجی در مقابل روس و انگلیس» برگزیده بود، از کاردانی حسین علاء پسر علاء السلطنه نخست وزیر دوران استبداد قاجار حداکثر استفاده را برد. علاء - نماینده ایران در امریکا- مشغول جلب نظر یانکی‌ها و بازکردن پای آنها به ایران بود. قوام که مدعی بود امریکا به علت دوری از ایران نمی‌تواند خطری برای استقلال ایران ایجاد کند، با سرمایه و نیروی کارش باطل کننده جادوهای انگلیس و مطامع شوروی در ایران خواهد بود. با اشاره او حسین علاء از وزارت خارجه امریکا خواست که چند مستشار مالی به تهران معرفی کند. علاء به زودی با تلگرام رمز به قوام خبر داد که توانسته است نظر صاحبان شرکتهای نفتی امریکایی را برای سرمایه‌گذاری در نفت ایران جلب کند.

چنین بود که قوام در کار افتتاح مجلس چهارم تعجیل کرد تا بتواند قرارداد نفت شمال را با امریکاییها به تصویب رسانده و قانونی کند. مع الوصف قرارداد در مجلسی به تصویب رسید که نمایندگانش، همان نمایندگان مجلس سوم بودند که پیمان ۱۹۱۹ و وثوق الدوله را نیز تصویب کرده بودند. قوام مرد خاکستری بود که اقدامات گوناگون مثبت و منفی زیاد داشته است برای بررسی وجوه مختلف زندگی این سیاستمدار با یعقوب توکلی مورخ و استاد دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم.

یعقوب توکلی مورخ و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با خبرنگار تاریخ خبرگزاری فارس در مورد نقش قوام السلطنه در تاریخ معاصر ایران اظهارداشت: قوام السلطنه از آن دسته اشراف قدیم قاجار پهلوی اول و دوم است که در دوره‌های مختلف نقش مثبت و منفی

خاص خود را دارد و فرمان مشروطیت به دست او نوشته شده است.

وی افزود: مرحوم مدرس قوام را سیاستمدار نیرومند و توانا می‌دانست که می‌توانست در برابر رضاشاه ایستادگی کند و مرحوم مصدق قوام را شمشیر برنده در برابر مستوفی‌الممالک که شمشیر بزم است تعبیر می‌کند.

وی افزود: البته قوام سرکوب قیام محمد تقی پسیان را در پرونده خود دارد و از طرفی دیگر قوام وزیری بود که قصد داشت شر رضاخان را از تاریخ ایران بکند و اقدام به ترور رضاخان بکند که البته در این اقدام ناکام می‌شود و بعد از آن قوام ناچار می‌شود از ایران خارج شود و در دوران نخست وزیری و سلطنت رضا خان در ایران حضور نداشت بعد از شهریور ۱۳۲۰ به ایران برگشت.

این مورخ با بیان اینکه قوام شخصیت متکبر و متفرعن داشت، گفت: در دیدارهای شخصی قوام پیشکاری داشت که افراد و شخصیت‌ها وقتی با او صحبت می‌کردند رو به پیشکار خود می‌کردند و می‌گفت این آقا چه می‌گوید.

وی افزود: قوام چند بار تاکید می‌کند که جزء ثروتمندترین مردان ایران بود که به انواع گوناگون، ثروت‌های خودش را از دست می‌داد و باز با بهره‌گیری از مناسب حکومتی ثروت‌ها را به دست می‌آورد و این به دست آوردن‌ها و از دست دادن‌ها نشانه فساد آن مدل حکومتی بود.

توکلی گفت: در سال ۱۳۲۱ قوام در معرض اعتراضات دانش آموزی قرار می‌گیرد که در آن تظاهرات خانه‌اش به آتش کشیده می‌شود و دانش‌آموزان دبیرستان صنعتی البرز به رهبری سید مجتبی نواب صفوی نخست در مجلس به سیاست‌های قوام اعتراض می‌کند و در ادامه خانه قوام را به آتش می‌کشند که این تظاهرات در نهایت به استعفای قوام منتهی می‌شود. برخی این تظاهرات را توطئه دربار محسوب می‌کردند.

وی با بیان اینکه یکی از اقدامات مثبت قوام حل مسئله حزب دموکرات آذربایجان بود که منطقه آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل، قزوین و همدان را نیز شامل می‌شد، گفت: این فقط مسئله آذربایجان نبود در قاضی محمد در کردستان جمهوری تشکیل داد. و خواستار استقلال نسبی بودند چرا که زمینه برای استقلال مثبت فراهم نبود.

به دنبال استقلال نسبی بودند البته در آن زمان به علت موقعیت جغرافیایی امکان پیوند آذربایجان ایران و شوروی فراهم نبود.

وی افزود: باقروف رئیس جمهور آذربایجان و استالین در پی آن بودند بخش دیگری از سرزمین ایران را از ایران جدا کنند که قوام دست به اقدامی درخور تقدیر زد. بازی هوشمندانه با روس را شروع می‌کند. و در مذاکره‌ای که با شوروی‌ها داشت به آنها قول

داد که امتیاز نفت شمال (منطقه سمنان) را به روس‌ها بدهد در ازای آن از حمایت حزب دموکرات دست بردارند.

وی افزود: این مسئله یکی از عوامل عقب نشینی روس‌ها بود. از دیگر اقدامات قوام این بود که چند نفر از افراد حزب توده مانند ایرج اسکندری را به کابینه خود راه داده بود. و زمینه قطع حمایت از دولت خود خوانده آذربایجان را فراهم آورد.

توکلی گفت: هر چند اقدامات دیگر مانند موافق نبودن مردم آذربایجان با سیاستهای حکومت شبه کمونیستی آذربایجان و رحلت سید ابوالحسن اسلامی و درگیری مردم با حکومت آذربایجان. نیز در ختم قائله حزب دموکرات آذربایجان مهم بود.

وی گفت: همچنین جامعه بین الملل نفوذ روسیه را بر شمال ایران نپذیرفتند و برخی‌ها می‌گویند رئیس جمهور آمریکا به روسیه اولتیماتوم اتمی داد و این مسئله درست نیست. حله مسئله آذربایجان بخشی از سیاست خارجی فعالی بود که قوام برگزید و بعد از حل مسله آذربایجان با شاه دچار اختلاف شد. و این رقابت بین شاه و قوام پیش آمد که چه کسی آذربایجان را فتح کرده است.

وی گفت: نکته دیگر وجوه مثبت زندگی قوام است ایستادگی او در برابر تغییر قانون اساسی است که بعد از ترور ناکام محمدشاه پهلوی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ است قوام رضایت نمی‌دهد که قانون اساسی اختیارت بیشتری به نفع محمدرضا شاه بدهد.

این مورخ ادامه داد: پس از فضای روانی به دست آمده شاه دستور تشکیل موسسان را داد که نیمی از نمایندگان را مردم و نیمی دیگر را شاه منتصب می‌کرد و سعی داشت با تغییر قانون اساسی اختیار بیشتری کسب کند از جمله انحلال مجلس که قوام اعتراض کرد و این طرح را منجر به دیکتاتوری در کشور می‌دانست.

وی گفت: دیگر سیاست‌های غلط قوام این بود در آخر عمر به انگلیس و دربار نزدیک شدو در راستای مقابله با نهضت ملی نفت و فضای استقلال خواهی جامعه ایران برآمد با اراده به نخست وزیر شدن سعی داشت مبارزات مردمی را متوقف کند.

این مورخ افزود: ایستادگی در مقابل ملی شدن صنعت نفت به نوعی به خودکشی سیاسی این سیاستمدار کهنه کار و اشرف زاده بود و موجب قیام ۳۰ تیر شد و در پی آن تعدادی از مردم کشته شدند.

توکلی ادامه داد: بعد از شکست قوام و درخواست آیت‌الله کاشانی به اعتراض مردم به خیابان ریختند و قیام ۳۰ تیر شکل گرفت و منتهی به شکست قوام شد مجلس بعد از قیام، با مصوبه ای در پی مجازات قوام و مصادره اموال او شد. که قوام به زندگی مخفی روی آورد اما دولت مصدق از اجرای مصوبه مجلس سرباز زد و بعد از تغییر مصدق، سیاست تغییر کرد اما قوام دیگر به عرصه سیاست ایران برنگشت.

